

آنچه ایران می‌خواهد

گزارش تحلیلی درباره اعتماد اجتماعی، هویت ملی،
معیشت، سیاست و انتظارات آینده

تهیه و تنظیم:

علی ربیعی

دستیار اجتماعی رییس جمهور

بر اساس پیمایش‌های معتبر با تکیه بر پیمایش اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ مرکز افکارسنجی آرا

خرداد ۱۴۰۵



چکیده

این گزارش تصویری چندلایه از جامعه ایران در سال ۱۴۰۵ ارائه می‌دهد؛ جامعه‌ای که در جنگ رمضان شجاعانه پشت نیروهای نظامی و دولت ایستاد و با تجمع هرشب در میادین و زیر بمباران از ایران دفاع کرد. چنانچه یافته‌ها و تحلیل‌های این گزارش نشان می‌دهد، وضعیت اجتماعی ایران، نیازمند تدقیق بیشتر است و نمی‌توان آن را به سادگی و تنها با یک یا چند یافته و نظرسنجی تحلیل کرد. جامعه ایران، از ظرفیت‌های قابل توجهی برای بازسازی امید، انسجام اجتماعی و تغییرخواهی برخوردار است، هر چند فشارهای اقتصادی، فرسایش روانی، کاهش اعتماد عمومی، تجربه جنگ، تحولات نسلی و تغییرات هویتی روبه‌رو است، اما و البته هم‌پایداری در جنگ و هم‌سیاست‌های حمایتی اقتصادی دولت بر میزان اعتماد مردم به نظام افزوده است.

یافته‌های این پیمایش نشان می‌دهد که جامعه ایران بیش از آنکه با بحران هویت یا بحران مشروعیت مواجه باشد، با بحران اعتماد، نمایندگی سیاسی، کارآمدی حکمرانی و افق آینده روبه‌رو است. اعتماد اجتماعی و اعتماد به نهادهای حکمرانی در اغلب حوزه‌ها در بازه‌ای میان ۲۵ تا ۳۰ درصد قرار دارد؛ سطحی که برای اجرای سیاست‌های بزرگ و بسیج اجتماعی در درازمدت کافی نیست و از فرسایش سرمایه اجتماعی حکایت می‌کند. از سوی دیگر، بیش از نیمی از مردم درآمد خود را ناکافی می‌دانند، بخش بزرگی از جامعه خشم، ناامیدی و اضطراب را تجربه می‌کند و میل به مهاجرت در میان جوانان و تحصیل‌کردگان در سطح بالایی قرار دارد.

با این حال، داده‌ها همزمان حامل نشانه‌های مهمی از تاب‌آوری و ظرفیت‌های بازسازی اجتماعی هستند. **هویت ملی پس از جنگ تقویت شده، افتخار به ایرانی بودن افزایش یافته، اکثریت جامعه همچنان کلیت نظام سیاسی را قابل اصلاح می‌دانند و نزدیک به دو سوم شهروندان خواهان تغییر در چارچوب جمهوری اسلامی هستند.** همچنین **مقبولیت نظام سیاسی، دولت و سایر نهادهای حکمرانی در ماه‌های پس از جنگ روندی افزایشی داشته است؛** هرچند این افزایش هنوز به بازسازی اعتماد عمومی منجر نشده است. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که هرچه از تهران به سمت شهرهای کوچک‌تر و روستاها حرکت می‌کنیم، میزان مقبولیت، اعتماد و محبوبیت نهادهای حکمرانی بیشتر می‌شود و در میان افراد مسن‌تر و گروه‌های با تحصیلات پایین‌تر نیز این شاخص‌ها در سطح بالاتری قرار دارد.

مهم‌ترین یافته این گزارش آن است که روایت‌های دوقطبی رایج از جامعه ایران — از

جمله دوگانه‌های «وضع موجود یا براندازی»، «جنگ یا تسلیم»، «دین یا ایران» و «حکومت یا مردم» — توان توضیح واقعیت اجتماعی کشور را ندارند. در اغلب حوزه‌های مهم سیاسی و اجتماعی، دو قطب رادیکال جامعه نتوانسته‌اند پایگاه اجتماعی خود را فراتر از حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد گسترش دهند. در مقابل، یک «**میان‌ه اجتماعی گسترده**» شکل گرفته است که در آن مطالباتی چون اصلاحات اساسی، حفظ ثبات، بهبود معیشت، تقویت هویت ملی، گسترش ارتباطات بین‌المللی، پرهیز از تنش‌های پرهزینه و افزایش کارآمدی حکمرانی به طور همزمان دیده می‌شود.

این پیمایش همچنین نشان می‌دهد که جامعه ایران در شرایطی شبیه به «اکنون‌زدگی» قرار گرفته است؛ وضعیتی که در آن نه بازگشت به گذشته مطلوب تلقی می‌شود و نه آینده‌ای روشن و قابل پیش‌بینی در برابر شهروندان قرار دارد. در چنین شرایطی، مهم‌ترین چالش سیاستگذار نه صرفاً حل یک مسائل اقتصادی یا سیاسی مشخص، بلکه **بازگرداندن امکان تصور آینده به جامعه** است.

بر این اساس، مهم‌ترین نتیجه این گزارش آن است که مسئله اصلی ایران در سال ۱۴۰۵ **بیش از آنکه بحران مشروعیت یا بحران هویت باشد، بحران اعتماد، کارآمدی و امید به آینده است.** در عین حال، مهم‌ترین سرمایه راهبردی کشور فراتر از سیاست‌های رضایت‌ساز جمعی باید تعریف شود و **مستلزم یک میان‌ه اجتماعی گسترده، آینده‌خواه و تغییر خواه است که علی‌رغم نارضایتی‌های اقتصادی و سیاسی، همچنان ثبات، امنیت ملی، تغییرات اساسی اما تدریجی و بهبود شرایط را بر بی‌ثباتی، گسست اجتماعی و رادیکالیسم سیاسی ترجیح می‌دهد.**

این میان‌ه اجتماعی که در برابر جنگ، تحریم، فشار اقتصادی، قطبی‌سازی رسانه‌ای و تنش‌های سیاسی همچنان از منطق اصلاح و توافق دفاع می‌کند، مهم‌ترین فرصت پیش روی سیاست‌گذاران برای بازسازی اعتماد عمومی، افزایش سرمایه اجتماعی و شکل‌دهی به توافقات بزرگ ملی در سال‌های پیش رو محسوب می‌شود.

در این گزارش ما به چند پرسش اساسی پاسخ می‌دهیم:

- چرا مردم به ایران افتخار می‌کنند اما می‌خواهند مهاجرت کنند؟
- چرا مردم از وضع موجود ناراضی‌اند اما براندازی را هم نمی‌خواهند؟
- چرا مردم جنگ نمی‌خواهند اما تسلیم را هم نمی‌پذیرند؟
- چرا با وجود اعتراضات دی‌ماه و جنگ چهل روزه میزان محبوبیت رییس‌جمهور و اعتماد به قوای کشور و نظام جمهوری اسلامی روندی صعودی داشته است؟

بخش اول «اعتماد عمومی»

وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۴۰۲)، ۷۵ درصد پاسخگویان معتقد بوده‌اند که «اکثر مردم قابل اعتماد نیستند» و تنها ۲۳٫۸ درصد «اکثر مردم را قابل اعتماد»

سال	درصد افرادی که معتقدند اکثر مردم قابل اعتماد نیستند
۱۳۵۴	۷۹ درصد
۱۴۰۲	۷۵ درصد
۱۴۰۵	۷۵ درصد

داده‌ها نشان می‌دهد:

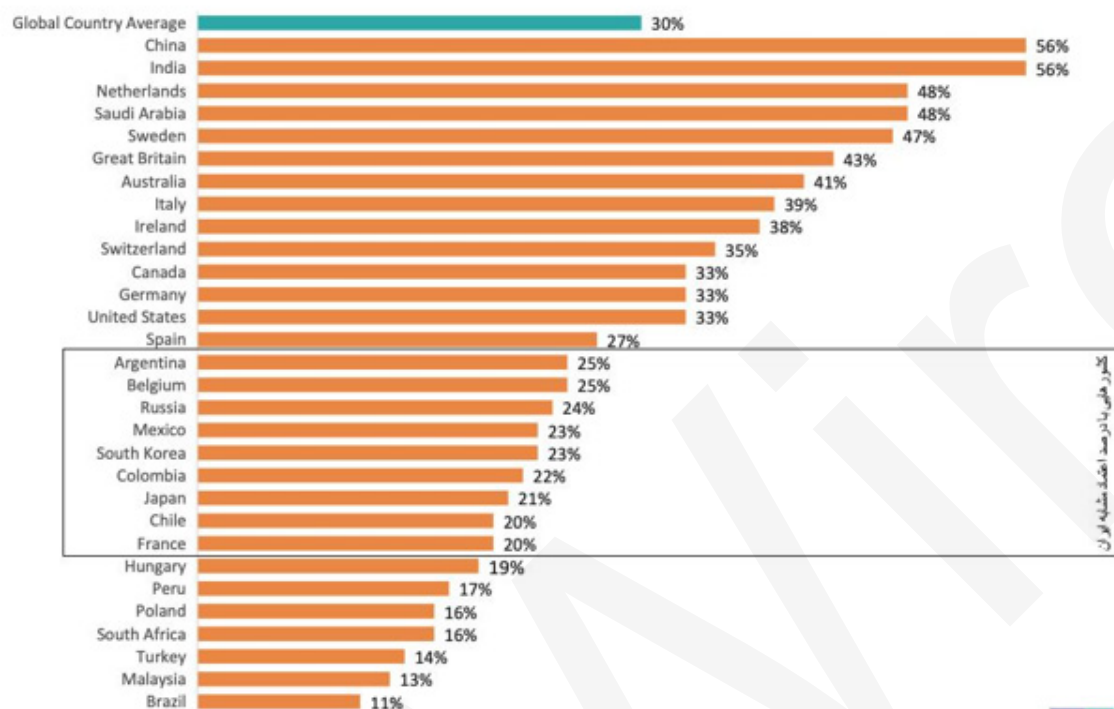
- هرچه سن افراد افزایش می‌یابد، میزان اعتماد به دیگران بیشتر می‌شود.
- هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، میزان اعتماد به دیگران کاهش می‌یابد.
- این الگو هم در پیمایش سال ۱۳۵۴ و هم در پیمایش ۱۴۰۲ مشاهده شده است.
- گروه سنی بالای ۵۰ سال حدود ۱۵ درصد بیش از جوانان به دیگران اعتماد دارند.

مطالعات تکمیلی نیز نشان می‌دهد اعتماد در حلقه‌های نزدیک (خانواده و خویشاوندان) بسیار بالاست و در برخی موارد به بیش از ۸۰ درصد می‌رسد، اما هرچه فاصله اجتماعی بیشتر می‌شود، اعتماد کاهش می‌یابد.

بر اساس داده‌های ایسپا، میزان افرادی که «اکثر مردم را قابل اعتماد» می‌دانند از ۲۶٫۵ درصد در سال ۱۳۹۸ به ۱۸٫۲ درصد پیش از جنگ اخیر کاهش یافته بود. پس از جنگ، این شاخص حدود ۵ واحد درصد افزایش پیدا کرد.

مقایسه بین المللی

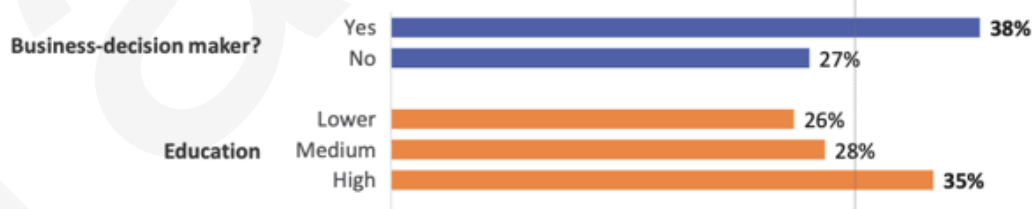
کاهش اعتماد اجتماعی پدیده‌ای محدود به ایران نیست. در بسیاری از کشورهای دنیا نیز طی دهه‌های اخیر اعتماد عمومی به دیگران روندی نزولی داشته است.



بر اساس آمار موسسه ایپسوس از اعتماد در جهان - سال ۲۰۲۲

داده‌ها نشان می‌دهد:

نکته‌ی قابل توجه این است که به صورت میانگین در دیگر کشورهای دنیا، تحصیلات و فعالیت اقتصادی با افزایش اعتماد رابطه‌ی مستقیم دارد. معمولاً با افزایش سطح تحصیلات و یا حضور اجتماعی در ظرفیت تصمیم‌گیری اقتصادی، میزان اعتماد اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند، در حالی که در ایران رابطه‌ای معکوس مشاهده می‌شود و افراد تحصیل کرده عموماً اعتماد کمتری به دیگران دارند.



در ایران هم‌زمانی ضعف اعتماد افقی (اعتماد مردم به یکدیگر) و کاهش اعتماد عمودی (اعتماد به نهادهای حاکمیتی) باعث شده هزینه همکاری اجتماعی بین نهادهای اجتماعی و نهادهای دولتی-حاکمیتی افزایش پیدا کند. به بیان دیگر، مسئله اصلی صرفاً پایین بودن اعتماد نیست؛ بلکه فقدان نهادهای جایگزینی است که بتوانند در شرایط بی‌اعتمادی، همکاری و کنش جمعی را تسهیل کنند.

از این منظر، هدف سیاست‌گذار نباید رساندن ایران به سطحی آرمانی از اعتماد اجتماعی باشد، بلکه باید بر کاهش هزینه‌های بی‌اعتمادی از طریق شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری، تقویت نهادهای واسط و افزایش قابلیت اتکای نهادهای عمومی تمرکز کند. این رویکرد در کوتاه‌مدت دست‌یافتنی‌تر و از منظر حکمرانی مؤثرتر است.

تحلیل سیاستی

جامعه ایران بیش از آنکه در سال ۱۴۰۵ با یک بحران اقتصادی یا سیاسی صرف مواجه باشد، با یک وضعیت «فرسایش روانی فراگیر» روبه‌رو است. افزایش همزمان خشم، ناامیدی، غم و اضطراب در فاصله آذر ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که بخش مهمی از جامعه در حال تجربه فشار روانی ممتد است. نکته مهم آن است که این احساسات تقریباً در همه جغرافیای کشور مشاهده می‌شود و محدود به تهران یا گروه اجتماعی خاصی نیست.

مقایسه روندها نشان می‌دهد نقطه عطف این تغییرات از آذر ۱۴۰۴ به بعد آغاز شده است؛ دوره‌ای که با نااطمینانی اقتصادی (متأثر از فضای پسا جنگ ۱۲ روزه و بحران و اعتراضات داخلی)، نوسانات شدید، تنش‌های سیاسی و در نهایت جنگ همراه بوده است. به بیان دیگر، جامعه نه تنها با فشارهای اقتصادی، بلکه با احساس عدم قطعیت نسبت به آینده مواجه شده است.

توصیفی که مجید تهرانیان در موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۵۴ با عنوان «اکنون‌زدگی» ارائه می‌کرد، همچنان قابل استفاده است. جامعه نه تمایل به بازگشت به گذشته دارد و نه تصویر روشنی از آینده پیش روی خود می‌بیند. در چنین شرایطی، افق زمانی افراد کوتاه می‌شود، تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد و احتمال بروز رفتارهای هیجانی، واکنش‌های اعتراضی، انزواطلبی اجتماعی و مقاومت در برابر سیاست‌های عمومی افزایش پیدا می‌کند.

در عین حال، یک تناقض مهم در داده‌ها دیده می‌شود. مردم از گسترش دروغ، تقلب و بی‌اخلاقی سخن می‌گویند، اما همچنان به وجود انصاف و کمک به دیگران باور دارند. این موضوع نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی ایران از بین نرفته، بلکه از سطح اعتماد عمومی به سطح همبستگی محدود و اخلاق روزمره عقب‌نشینی کرده است. همین ظرفیت می‌تواند نقطه اتکای سیاست‌گذار برای بازسازی امید اجتماعی باشد.

پیشنهاد سیاستی:

با توجه به اینکه جامعه در سالهای گذشته، به ویژه در شش ماه گذشته حجم زیادی از احساسات منفی را تجربه کرده و از طرفی با ناامیدی، تمایل به مهاجرت، عدم اعتماد اجتماعی روبرو بوده می توان اینگونه پیشنهاد کرد:

۱. با توجه به داده‌های اخیر سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران نیازمند بازنگری جدی در ساختارهای آموزشی در جهت ارتقا مهارت های اجتماعی

۲. علاوه بر افزایش توان ارتباط با نسل های جدید در ارکان حاکمیت به ویژه در تربیون های اجتماعی، خصوصا مذهبی، باید با نگاهی به تغییرات نگرشی صورت گرفته و تغییرات نسلی به صورت جدی تقویت شود.

۳. نهادهای تولید کننده محتوا در حوزه فرهنگ و جامعه مانند حوزه فیلم، صدا و سیما، رسانه های مکتوب و مجازی، باید با تنوع در تولید و به کار گیری الگوهای آموزش عمومی، مسیر کاهش شکاف اجتماعی را دنبال کنند. رسانه ملی با گشودگی در سیاست های خود باید پوشش همه جامعه ایران با تمام تنوعات اجتماعی و سیاسی را پاسخگو باشد.

بخش دوم «روان اجتماعی»

جامعه میان خشم، ناامیدی و اکنون زندگی

احساس خشم و عصبانیت	احساس ناامیدی	احساس افسردگی
۶۳٫۶ درصد	۵۰٫۲ درصد	۴۷٫۷ درصد
احساس ترس و اضطراب		نمره میزان رضایت از زندگی
۴۵٫۴ درصد		۵٫۵ (از ۱۰)

خشم و عصبانیت

۶۳٫۶ درصد مردم اعلام کرده‌اند که «خشم و عصبانیت» را به میزان زیاد تجربه کرده‌اند. این شاخص نسبت به آذر ۱۴۰۴ حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است.

مقایسه تهران با سایر نقاط کشور نشان می‌دهد تفاوت محسوسی در تجربه خشم وجود ندارد و فاصله تهران با میانگین کشور حدود ۲ واحد درصد است. همچنین سطوح مختلف سکونت‌گاهی شامل روستا، شهرهای غیرمرکز استان، مراکز استان‌ها و تهران، میزان تجربه خشم تقریباً مشابه است و حول سطح ۶۰ درصد با نوسانی حدود ۶ واحد درصد قرار دارد.

غم و افسردگی

میزان احساس غم و افسردگی در تهران رشد بیشتری نسبت به سایر نقاط کشور داشته است. از آذر ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵، این شاخص در تهران ۱۱٫۵ واحد درصد افزایش یافته، در حالی که در سایر سطوح سکونت‌گاهی رشد آن حدود ۶ واحد درصد بوده است.

ناامیدی

۵۰٫۲ درصد مردم احساس ناامیدی را تجربه کرده‌اند. این شاخص نسبت به آذر ۱۴۰۴ حدود ۸ واحد درصد افزایش داشته است.

همچنین ۴۷.۷ درصد مردم احساس غمگینی را گزارش کرده‌اند که نسبت به آذرماه ۶ واحد درصد افزایش یافته است.

ناامیدی در میان افراد زیر ۵۰ سال بیش از میانگین جامعه است و هرچه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد، میزان تجربه ناامیدی نیز بیشتر می‌شود. تفاوت معناداری نیز میان روستاها، شهرها و مراکز استان‌ها مشاهده نمی‌شود.

ترس و اضطراب

۴۵.۴ درصد مردم احساس ترس و اضطراب را تجربه کرده‌اند که نسبت به آذر ۱۴۰۴ حدود ۸ واحد درصد افزایش داشته است.

در مقابل، ۲۹.۳ درصد مردم اعلام کرده‌اند که خشم و عصبانیت را تجربه نکرده‌اند. گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال بیش از سایر گروه‌ها احساس ترس داشته‌اند، هرچند این تفاوت چشمگیر نیست. همچنین سطح تحصیلات تأثیر محسوسی بر میزان تجربه ترس و اضطراب نداشته است.

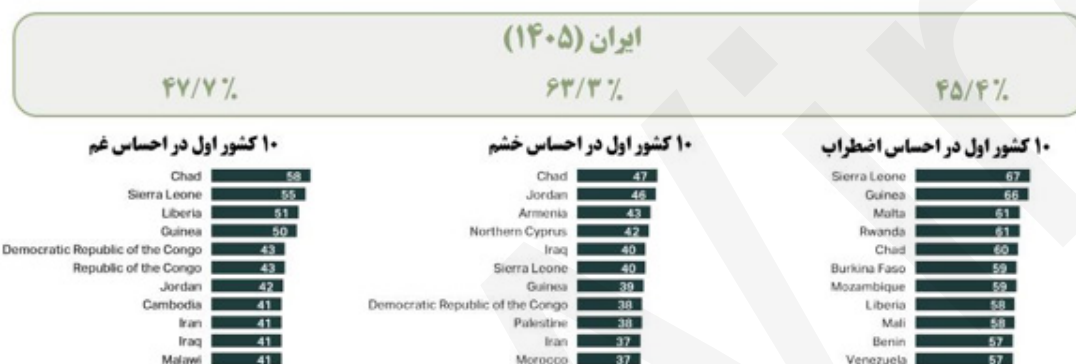
رضایت از زندگی

میانگین رضایت از زندگی در اردیبهشت ۱۴۰۵ برابر با ۵/۵۵ از ۱۰ بوده است. در سال ۱۳۹۴ این عدد ۶/۳ بوده و در یک روند بلندمدت کاهشی قرار داشته است. ۲۹ درصد پاسخگویان به رضایت از زندگی خود نمره کمتر از ۵ داده‌اند و ۹/۱ درصد نیز پایین‌ترین سطح رضایت (نمره صفر) را انتخاب کرده‌اند. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد در فروردین و خرداد ۱۴۰۴ و همچنین در مقطع پس از جنگ، احساس تعلق و رضایت از زندگی تا حدودی افزایش یافته است.

مقایسه بین‌المللی

طبق آمار بین‌المللی، ایران از ده کشوری‌ست که شهروندانش بالاترین میزان غم و خشم را گزارش می‌دهند. در آمار موسسه گالوپ از سال ۲۰۲۵، ۴۱ درصد ایرانیان گفته بودند که غمگینند و ۳۷ درصد هم گفته بودند که خشمگینند. این آمار در سال جاری به مراتب افزایش یافته است. در آمار گذشته نام ایران در کنار کشورهای مانند چاد، اردن، ارمنستان، عراق، فلسطین و مراکش در موضوع خشم، و کشورهای مانند عراق، اردن،

کامبوج، سیرالئون، لیبریا، کنگو و مالاوی در حوزه‌ی غم دیده می‌شود. نکته مهم اینکه بالاترین درصد ابراز خشم که موسسه گالوپ در این سال گزارش می‌دهد، ۴۷ درصد در کشور چاد است. رقمی که نظرسنجی سال ۱۴۰۵ ایران نشان می‌دهد کمی بیش از ۶۳ درصد است که بالاترین رقمی است که در دنیا ثبت می‌شود.



نمودار موسسه گالوپ در سال ۲۰۲۵ از بهداشت روان در کشورهای مختلف

برداشت جامعه از خود

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال ۱۴۰۲، حدود ۷۰ درصد مردم معتقدند تنبلی در جامعه رواج زیادی دارد و حدود ۸۰ درصد نیز بر این باورند که تقلب، دروغ و کلاهبرداری در جامعه گسترده است.

در مقابل، ۵۷ درصد مردم همچنان معتقدند انصاف و کمک به دیگران در جامعه رواج دارد.

همچنین ۷۳ درصد مردم معتقدند صفات اخلاقی مثبت در جامعه نسبت به گذشته کاهش یافته است.

تحلیل سیاسی

جامعه ایران در سال ۱۴۰۵ با یک بحران اقتصادی یا سیاسی صرف مواجه باشد، با یک وضعیت «فرسایش روانی فراگیر» روبه‌رو است. افزایش همزمان خشم، ناامیدی، غم و اضطراب در فاصله آذر ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که بخش مهمی از جامعه در حال تجربه فشار روانی ممتد است. نکته مهم آن است که این احساسات تقریباً در همه جغرافیای کشور مشاهده می‌شود و محدود به تهران یا گروه اجتماعی خاصی نیست.

مقایسه روندها نشان می‌دهد نقطه عطف این تغییرات از آذر ۱۴۰۴ به بعد آغاز شده است؛ دوره‌ای که با نااطمینانی اقتصادی (متاثر از فضای پسا جنگ ۱۲ روزه و بحران ارز در داخل)، نوسانات شدید، تنش‌های سیاسی و در نهایت جنگ همراه بوده است. به بیان دیگر، جامعه نه تنها با فشارهای اقتصادی، بلکه با احساس عدم قطعیت نسبت به آینده مواجه شده است.

توصیفی که مجید تهرانیان در موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۵۴ با عنوان «اکنون‌زدگی» ارائه می‌کرد، همچنان قابل استفاده است. جامعه نه تمایل به بازگشت به گذشته دارد و نه تصویر روشنی از آینده پیش روی خود می‌بیند. در چنین شرایطی، افق زمانی افراد کوتاه می‌شود، تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد و احتمال بروز رفتارهای هیجانی، واکنش‌های اعتراضی، انزواطلبی اجتماعی و مقاومت در برابر سیاست‌های عمومی افزایش پیدا می‌کند.

در عین حال، یک تناقض مهم در داده‌ها دیده می‌شود. مردم از گسترش دروغ، تقلب و بی‌اخلاقی سخن می‌گویند، اما همچنان به وجود انصاف و کمک به دیگران باور دارند. این موضوع نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی ایران از بین نرفته، بلکه از سطح اعتماد عمومی به سطح همبستگی محدود و اخلاق روزمره عقب‌نشینی کرده است. همین ظرفیت می‌تواند نقطه اتکای سیاست‌گذار برای بازسازی امید اجتماعی باشد.

پیشنهاد سیاستی:

با توجه به اینکه جامعه در سالهای گذشته، به ویژه در شش ماه گذشته حجم زیادی از احساسات منفی را تجربه کرده و از طرفی با ناامیدی، تمایل به مهاجرت، عدم اعتماد اجتماعی روبرو بوده را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که:

۱. با توجه به داده‌های اخیر سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی ایران نیازمند بازنگری جدی در ساختارهای آموزشی در کشور است.

۲. توان ارتباط با نسل جدید در تریبونهای اجتماعی، خصوصاً مذهبی، باید به صورت جدی تقویت شود. این می‌تواند از طریق انتساب روحانیون جوان، معتدل، خوش فکر و آشنا به زبان نسل جدید باشد.

۳. تریبون‌های عمومی مانند صداوسیما، رسانه‌های مکتوب و مجازی، باید با تنوع در تولید و به کار گیری الگوهای آموزش عمومی، مسیر کاهش شکاف اجتماعی را دنبال کنند.

بخش سوم «هویت، تعلق ملی و میل به مهاجرت»

در پاسخ به پرسش «خود را چگونه معرفی می کنید؟» پاسخگویان چنین توزیعی داشته اند:



داده ها نشان می دهد پس از جنگ، گرایش به هویت ملی با محوریت «ایران» افزایش یافته و سهم هویت های قومی کاهش پیدا کرده است.

در تهران، هویت ملی برجسته تر است:

- ۵۰ درصد خود را «ایرانی» معرفی می کنند.
- ۲۸٫۱ درصد «ایرانی مسلمان» هستند.
- کمتر از یک درصد صرفاً «مسلمان» را به عنوان هویت اصلی خود معرفی می کنند.
- ۴٫۹ درصد هویت قومی را در اولویت قرار می دهند.
- حدود ۱۵ درصد خود را «شهروند جهانی» می دانند.

هرچه از تهران به سمت شهرهای کوچک تر و روستاها حرکت می کنیم:

- هویت ملی کاهش می یابد.
- هویت ایرانی - اسلامی افزایش پیدا می کند.
- تعلق دینی بیشتر می شود.
- هویت قومی پررنگ تر می شود.
- گرایش به هویت جهان شهری کاهش می یابد.

از منظر نسلی نیز روند قابل توجهی مشاهده می‌شود:

- نسل‌های جوان‌تر بیش از نسل‌های مسن‌تر خود را «ایرانی» معرفی می‌کنند!
- در سنین بالاتر، هویت ترکیبی «ایرانی - مسلمان» سهم بیشتری دارد.
- هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، هویت ملی تقویت می‌شود.
- در مجموع، ۸۵٫۶ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. این شاخص در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۳ درصد بوده است.

دینداری و روزه‌داری

در اردیبهشت ۱۴۰۵:

- ۲۹٫۸ درصد گفته‌اند تمام روزه‌های ماه رمضان را گرفته‌اند.
 - ۵۱٫۷ درصد گفته‌اند هیچ روزه‌ای نگرفته‌اند.
- در تهران:
- ۲۳٫۳ درصد تمام روزه‌ها را گرفته‌اند.
 - ۵۱٫۷ درصد هیچ روزه‌ای نگرفته‌اند.
- روند بلندمدت نشان می‌دهد:
- در سال ۱۳۵۴ حدود ۷۹ درصد مردم اعلام کرده بودند تمام روزه‌ها را می‌گیرند.
 - این شاخص در پیمایش سال ۱۴۰۲ به ۴۲ درصد رسیده بود.
 - در سال ۱۴۰۵ به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است.
 - همچنان همانند سال ۱۳۵۴، میان سطح تحصیلات و روزه‌داری رابطه معکوس مشاهده می‌شود و افراد با تحصیلات پایین‌تر، التزام بیشتری به روزه‌داری دارند.

میل به مهاجرت

در پاسخ به پرسش «اگر شرایط فراهم باشد مهاجرت می‌کنید؟»

۶۶٫۲ خیر

۳۳٪ بله

این عدد در پیمایش ۱۴۰۲:

- ۳۸ درصد تمایل به مهاجرت
- ۶۰ درصد عدم تمایل به مهاجرت بوده است.
- الگوهای جمعیتی نشان می‌دهد:
- حدود ۴۵ درصد افراد زیر ۲۹ سال تمایل به مهاجرت دارند.
- تقریباً نیمی از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تمایل به مهاجرت دارند.
- هرچه از تهران به سمت روستاها حرکت می‌کنیم، میل به مهاجرت کاهش می‌یابد.

تحلیل سیاستی

مهم‌ترین یافته این بخش آن است که برخلاف برخی روایت‌های رایج، هویت ملی در ایران نه تنها تضعیف نشده بلکه در مقطع پس از جنگ تقویت شده است. افزایش افتخار به ایرانی بودن از ۸۳ درصد در سال ۱۴۰۲ به ۸۵٫۶ درصد در سال ۱۴۰۵ و رشد سهم افرادی که خود را پیش از هر چیز «ایرانی» معرفی می‌کنند، نشان می‌دهد که همچنان در مقابل تهدیدهای خارجی حس وطن‌دوستی و هویت ملی در ایران قوی‌ست.

با این حال، همزمان دو روند موازی در جامعه دیده می‌شود: تقویت هویت ملی و کاهش دینداری فردی. افت نرخ روزه‌داری از ۷۹ درصد در سال ۱۳۵۴ به حدود ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که بخشی از جامعه در حال بازتعریف نسبت خود با دین است.

دومین یافته مهم، شکاف میان «افتخار به ایران» و «تمایل به ماندن در ایران» است. در حالی که بیش از ۸۵ درصد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، یک‌سوم جامعه و نزدیک به نیمی از جوانان و تحصیل‌کردگان در صورت فراهم شدن شرایط، تمایل به مهاجرت دارند. این موضوع نشان می‌دهد مسئله اصلی بحران هویت نیست، بلکه

شکاف میان تعلق عاطفی به ایران و ارزیابی افراد از فرصت‌های آینده در کشور است. همچنین داده‌های دفاع از وطن نشان می‌دهد که وطن‌دوستی لزوماً به مشارکت سیاسی یا نظامی ترجمه نمی‌شود. بسیاری از افراد ممکن است تعلق ملی بالایی داشته باشند، اما به دلایل سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی حاضر نباشند این تعلق را از طریق مشارکت در کمپین‌های رسمی نشان دهند. از این منظر، تعداد ثبت‌نام کنندگان در پویش جان‌فدا را نباید به کاهش وطن‌دوستی تعبیر کرد. شاید بتوان دلیل این موضوع را ترس از قضاوت‌های مخالفین، و در برخی از موارد تصور جناحی تعریف شدن از سمت مردم عنوان کرد.

وقتی به سیاست‌های رسانه در ایران نگاه کنیم، این نکته توجه را جلب می‌کند که بزرگترین ابزار رسانه‌ای دشمنان ایران افزایش خشم از طریق شبکه‌های ارتباطی فارسی‌زبان در میان ایرانیان بوده است. در مرور وضعیت سلامت روان جامعه و همچنین در موضوع اعتماد افقی و عمودی، رسانه نقش مهمی در درک اعضای جامعه از محیط پیرامون خود دارد. بنابراین اصلاح رویکرد رسانه بزرگ و ملی به نحوی که از تضاد و تنش و افزایش بی‌اعتمادی و خشم به هریک از نهادهای جامعه (از مسئولان سیاسی رقیب داخلی گرفته تا هنرمندان و ورزشکاران) اجتناب کند، خود ابزاری دفاعی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود.

پیشنهاد سیاستی:

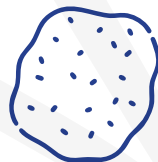
مسئولان در تریبون‌های مختلف به ویژه تریبون‌های قوای سه گانه، سایر نهادها و رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما و باید از دوقطبی سازی میان ایران و دین پرهیز کنند. همه مردم باید هویت خودشان را در قالب رسانه‌های ملی و در کلام مسئولان ببینند و بشنوند.

بخش چهارم «معیشت»

فشار هزینه‌های زندگی، امنیت غذایی و انتظارات اقتصادی

۵۷.۲ درصد

عدم رضایت از قیمت نان



نان و سیاست آزادسازی قیمت

۵۷٫۲ درصد پاسخگویان از قیمت فعلی نان رضایت ندارند.

همچنین ۷۲ درصد مردم با این ایده که قیمت نان آزاد شود و در مقابل مبلغی به کالابرگ یا یارانه اضافه شود مخالف هستند. این نسبت در تهران به ۷۶٫۱ درصد می‌رسد. میزان مخالفت با این سیاست در تمام گروه‌های سنی و تحصیلی بالای ۶۰ درصد است. روندها نشان می‌دهد از شهریور ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ میزان نارضایتی از قیمت نان بیش از دو برابر شده است.

هرچه از پیرامون به سمت مرکز کشور حرکت می‌کنیم رضایت از قیمت نان کمتر می‌شود. در تهران نیز میزان رضایت از قیمت نان طی یک سال گذشته حدود ۲۰ واحد درصد کاهش یافته است.

این داده‌ها نشان می‌دهد بخش مهمی از جامعه نسبت به توانایی دولت در کنترل بازار و جبران آثار آزادسازی قیمت‌ها از طریق کالابرگ ابهام دارند.

مصرف گوشت قرمز

الگوی مصرف



در فاصله شهریور ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵:

- جمعیت فاقد مصرف گوشت قرمز حدود ۱٫۵ واحد درصد کاهش یافته است.
- تعداد افرادی که چند بار در سال گوشت مصرف می کنند ۱٫۶ واحد درصد کاهش یافته است.
- تعداد افرادی که چند بار در ماه گوشت مصرف می کنند ۳٫۹ واحد درصد افزایش یافته است.
- مصرف هفتگی تقریباً ثابت مانده است.

این روند نشان می دهد بخشی از خانوارهای کم درآمد توانسته اند مصرف گوشت قرمز خود را افزایش دهند.

پیش تر نسبت مصرف گوشت قرمز در دهک دهم نسبت به دهک اول حدود ۱۰ به ۱ بوده است و در مقایسه دهک هشتم و اول حدود ۵ به ۱ گزارش شده است.

مصرف گوشت مرغ

الگوی مصرف:



در فاصله شهریور ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵:

- افراد فاقد مصرف مرغ حدود یک واحد درصد کاهش یافته‌اند.
- مصرف سالانه ۰٫۳ واحد درصد افزایش یافته است.
- مصرف ماهانه ۳٫۸ واحد درصد افزایش یافته است.
- مصرف هفتگی ۲٫۵ واحد درصد کاهش یافته است.
- نسبت مصرف مرغ بین دهک دهم و اول حدود ۱٫۷ به ۱ و بین دهک هشتم و اول حدود ۱٫۵ به ۱ بوده است که نشان می‌دهد مرغ همچنان یکی از اصلی‌ترین اقلام سبد غذایی همه دهک‌هاست.

مصرف برنج

الگوی مصرف:



در فاصله شهریور ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵:

- عدم مصرف تقریباً ثابت مانده است.
- مصرف سالانه حدود یک واحد درصد کاهش یافته است.
- مصرف ماهانه تقریباً ثابت بوده است.
- مصرف هفتگی ۵ واحد درصد افزایش یافته است.
- این روند نشان می‌دهد دسترسی خانوارها به برنج نسبت به سال قبل بهبود یافته است.

تأمین مواد غذایی

در پاسخ به پرسش درباره وضعیت تأمین مواد غذایی:

مشکلی نداریم ۱۸,۷%

۴۲,۸% تا حدی مشکل داریم

۳۸,۳% خیلی مشکل داریم

- در مجموع بیش از ۸۱ درصد مردم در تأمین مواد غذایی با درجاتی از مشکل مواجه هستند.
- از مرداد تا آذر ۱۴۰۴ روند مشکلات غذایی افزایشی بوده، اما از آذر تا اردیبهشت ۱۴۰۵ کاهش یافته است.
- تهران حدود ۱۵ واحد درصد کمتر از میانگین کشور با مشکل تأمین مواد غذایی مواجه است.
- روستاییان، افراد کم‌سواد و گروه سنی بالای ۵۰ سال بیشترین فشار را در این حوزه تجربه می‌کنند.

تأمین هزینه‌های درمان

در پاسخ به پرسش درباره وضعیت تأمین هزینه‌های درمان:

مشکلی نداریم ۲۴,۹%

۳۱,۵% تا حدی مشکل داریم

۴۳,۳% خیلی مشکل داریم

- سه چهارم جامعه در تأمین هزینه‌های درمان با مشکل مواجه هستند.
- در فاصله مرداد تا آذر ۱۴۰۴ میزان افراد دارای مشکل شدید ۱۳ واحد درصد افزایش یافت، اما تا اردیبهشت ۱۴۰۵ حدود ۳ واحد درصد کاهش پیدا کرد.
- در میان افراد بالای ۵۰ سال، از هر سه نفر دو نفر در تأمین هزینه‌های درمان با مشکل مواجه‌اند.

درآمد و هزینه خانوار

۷,۸%

هم مخارج را تأمین می‌کنیم
و هم پس‌انداز داریم

۳۷,۵%

مخارج را پوشش می‌دهد
اما پس‌انداز نداریم

۵۴%

درآمد کفاف مخارج را
نمی‌دهد

در تهران سهم گروه دارای پس‌انداز ۱۱,۲ درصد است.

از مرداد ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ تعداد افرادی که درآمدشان کفاف مخارج را نمی‌دهد ۸,۸ واحد درصد افزایش یافته است.

پیش‌بینی پاسخگویان از وضعیت اقتصادی کشور



در تهران:

• 63.8 درصد معتقدند وضعیت بدتر خواهد شد.

• تنها 16 درصد انتظار بهبود دارند.

با این حال در مقایسه با سال 1402، میزان بدبینی اقتصادی کاهش یافته است. در آن سال بیش از 70 درصد مردم معتقد بودند وضعیت اقتصادی کشور بدتر خواهد شد.

علت اصلی مشکلات اقتصادی کشور



در همه گروه‌های سنی و جغرافیایی، ناکارآمدی مدیریتی مهم‌ترین عامل مشکلات اقتصادی کشور شناخته شده است.

تأثیر محاصره اقتصادی

62 درصد مردم معتقدند ادامه محاصره اقتصادی و فشارهای آمریکا موجب اختلال در تأمین کالاها و ثبات قیمت‌ها خواهد شد.

در مقابل، 21.4 درصد معتقدند ادامه این وضعیت مشکل خاصی ایجاد نخواهد کرد.

تحلیل سیاستی

تصویر کلی معیشت در جامعه را می‌توان «فشار بالا همراه با تاب‌آوری نسبی» توصیف کرد. بیش از نیمی از خانوارها اعلام می‌کنند درآمدشان کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و حدود سه چهارم جامعه در تأمین هزینه‌های درمان با مشکل مواجه‌اند. همچنین بیش از ۸۰ درصد مردم در جاتی از دشواری در تأمین مواد غذایی را گزارش می‌کنند. این ارقام نشان می‌دهد فشار معیشتی همچنان مهم‌ترین مسئله روزمره جامعه است.

با این حال داده‌ها یک نکته مهم را نیز نشان می‌دهد. برخلاف تصور عمومی، برخی شاخص‌های مصرف غذایی در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل بهبود یافته‌اند. افزایش مصرف ماهانه گوشت قرمز، افزایش مصرف هفتگی برنج و کاهش تعداد خانوارهای فاقد مصرف گوشت، نشانه‌هایی از اثرگذاری نسبی سیاست‌های حمایتی از جمله کالابرگ و حمایت‌های غذایی است. همچنین روند مشکلات تأمین مواد غذایی و درمان پس از آذر ۱۴۰۴ تا حدی بهبود یافته است.

در حوزه ادراک عمومی اقتصاد، مهم‌ترین نکته شکاف میان «علت مشکلات» و «راه‌حل مشکلات» است. مردم بیش از آنکه تحریم را علت اصلی مشکلات بدانند، ناکارآمدی و فساد را مسئول وضعیت اقتصادی می‌دانند. با این حال همزمان اکثریت جامعه معتقد است ادامه فشارهای خارجی می‌تواند وضعیت تأمین کالا و ثبات قیمت‌ها را وخیم‌تر کند. این موضوع نشان می‌دهد افکار عمومی، مشکلات اقتصادی را حاصل برهم‌کنش عوامل داخلی و خارجی می‌داند، اما سهم بیشتری برای متغیرهای داخلی قائل است.

بر اساس یافته‌هایی از سایر سنجش‌ها، نکته مهم دیگر کاهش نسبی بدبینی اقتصادی نسبت به سال ۱۴۰۲ است. اگرچه اکثریت مردم همچنان آینده اقتصاد را منفی ارزیابی می‌کنند، اما سطح امید به بهبود اقتصاد نسبت به دو سال قبل افزایش یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد انتظارات اقتصادی جامعه هنوز کاملاً فرو نریخته و امکان ترمیم آن با تصمیم‌های به دور از شوک وجود دارد.

این وضعیت تقریباً در همه دولت‌های پس از اعمال تحریم‌ها یکسان است. در صورتی که شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهند در بازه زمانی ۹۳ تا ۹۵ که اثر تحریم کاهشی

بوده ما در شاخص‌های رشد و تورم بهترین وضعیت را داشتیم. مطالعات ارتباطات اجتماعی نشان می‌دهد به دلیل مناقشات و دعوای‌های سیاست داخلی نقش تحریم به عنوان علت اصلی مشکلات اقتصادی و معیشتی نادیده گرفته شده و مساله به نحوی بیان شده که علت مشکلات صرفاً ناکارآمدی گروه‌های سیاسی رقیب در قدرت است. این وضعیت با توجه به شواهد خیابانی و رسانه‌ای در همین دوران جنگ نیز قابل مشاهده است که ریشه مشکلات به جای تهاجم دشمن و اثر تحریم و محاصره‌ها به دولت تقلیل داده می‌شود.

پیشنهاد سیاستی:

۱. سیاستگذار باید بتواند به دور از دعوای‌های سیاسی داخلی نقش تحریم و محاصره را در پیدایش وضعیت اقتصادی کشور به مردم تبیین کند.
۲. تداوم سیاستهای تاب‌آوری معیشتی نظیر ارائه کالابرگ، یک سیاست مفید و درست در این شرایط است.

بخش پنجم «سیاست روز»

اعتماد، مقبولیت و تقاضای اصلاح

اعتماد به مجلس ۲۳٫۱٪ زیاد و خیلی زیاد ۵۹٫۱٪ کم و خیلی کم	اعتماد به دولت ۲۵٫۴٪ زیاد و خیلی زیاد ۵۹٫۷٪ کم و خیلی کم
اعتماد به صداوسیما ۲۸٫۸٪ زیاد و خیلی زیاد ۵۷٫۳٪ کم و خیلی کم	اعتماد به قوه قضاییه ۳۰٫۸٪ زیاد و خیلی زیاد ۵۴٪ کم و خیلی کم
قابل قبول بودن کلیت نظام جمهوری اسلامی ۵۸٫۹٪ قابل قبول ۲۹٫۷٪ غیرقابل قبول	ارزیابی از توانایی مسولان در حل مشکلات کشور ۶۱٫۲٪ کم و خیلی کم ۲۰٫۹٪ کم و خیلی کم

محبوبیت رئیس جمهور

۲۴٫۳ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که رئیس جمهور در میان آنها «محبوبیت زیاد یا خیلی زیاد» دارد.

این شاخص از مرداد ۱۴۰۳ که محبوبیت رئیس جمهور ۴۶٫۳ درصد بود، با کاهش حدود ۲۲ واحد درصدی به ۲۴٫۳ درصد رسیده است. این روند محبوبیت در دو سال گذشته با فراز و نشیب وابسته به رخداد‌های کشور و تصمیمات دولت همراه بوده است.

نکته قابل توجه این است که از بهمن ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ محبوبیت رئیس جمهور ۶٫۳ واحد درصد افزایش یافته و روندی صعودی پیدا کرده است.

رئیس جمهور پزشکیان همچنان در میان:

- افراد بالای ۵۰ سال،
- افراد دارای تحصیلات کمتر از دیپلم،
- روستاییان،
- و ساکنان شهرهای غیرمرکز استان

محبوبیت بیشتری دارد.

ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات دولت

- ۳۱.۷ درصد سیاست‌ها و اقدامات رئیس‌جمهور را تأیید می‌کنند.
- جوانان، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و ساکنان مراکز استان‌ها بیش از سایر گروه‌ها منتقد عملکرد دولت هستند.
- نکته مهم اینکه در فاصله آذر ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ اعتماد به اغلب نهادهای حاکمیتی به طور متوسط حدود ۷ واحد درصد افزایش یافته است.
- بیشترین سطح اعتماد در میان افراد بالای ۵۰ سال، افراد کم‌سواد، روستاییان و ساکنان شهرهای غیرمرکز استان مشاهده می‌شود.
- در تهران، اعتماد به دولت، مجلس و صداوسیما در این دوره رشد داشته، اما اعتماد به قوه قضائیه حدود ۴ واحد درصد کاهش یافته است.

ارزیابی توانایی مسئولان

- ۲۰.۹ درصد معتقدند مسئولان توانایی «زیاد یا خیلی زیاد» برای حل مشکلات کشور دارند.
- روند این شاخص نشان می‌دهد اعتماد به توان مدیریتی مسئولان از خرداد تا مرداد ۱۴۰۴ افزایش یافته، اما پس از آن روندی نزولی پیدا کرده است.

مقبولیت نظام جمهوری اسلامی

- ۵۸/۹ درصد پاسخگویان کلیت نظام جمهوری اسلامی را قابل قبول می‌دانند.
- نکته مهم اینکه از زمان آغاز بکار دولت چهاردهم تا اردیبهشت ۱۴۰۵، مقبولیت نظام جمهوری اسلامی حدود ۱۲/۵ واحد درصد افزایش یافته است.
- این افزایش در همه گروه‌های سنی، تحصیلی و جغرافیایی مشاهده می‌شود.

راه حل مشکلات کشور از نگاه مردم

گزینه	درصد
اصلاحات اساسی در چارچوب جمهوری اسلامی	۵۲٫۷٪
اصلاحات محدود در چارچوب جمهوری اسلامی	۱۲٫۹٪
تغییر نظام جمهوری اسلامی	۱۹٪
حفظ وضعیت موجود	۹٪

در مجموع ۶۵٫۶ درصد پاسخگویان خواهان اصلاح کشور در چارچوب جمهوری اسلامی هستند.

در یک ماه گذشته نیز سهم طرفداران اصلاحات اساسی افزایش یافته، سهم حامیان اصلاحات محدود کاهش یافته و سهم طرفداران براندازی تنها رشد اندکی داشته است.

تحلیل سیاسی

مهم‌ترین پیام این داده‌ها آن است که اولاً با توجه به نزدیکی میزان اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی که همگی در بازه بین ۲۰ تا ۳۰ درصد قرار دارند در دید مردم ارکان مختلف نظام از هم جدا نیستند. این یعنی اینکه مردم سیاست‌های اعمالی در کشور را یکپارچه ارزیابی می‌کنند. به تعبیری دیگر دوگانه اصولگرا- اصلاح‌طلب یا انقلابی- اصلاح‌طلبی در ساختار حاکمیت دیده نمی‌شود. نکته دیگر اینکه فضای سیاسی ایران را حتی نمی‌توان با دوگانه «حامی وضع موجود» و «برانداز» توضیح داد. حدود ۶۶ درصد جامعه، خواهان تغییرات اساسی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی هستند، -در حالی که به رغم مقبولیت جمهوری اسلامی ایران در طیف گسترده تری- تنها ۹ درصد به طور کامل از عدم تغییر وضعیت موجود دفاع می‌کنند. بنابراین بزرگ‌ترین بلوک سیاسی کشور نه در نقطه کاملاً حفظ وضع موجود قرار دارد و نه در نقطه براندازی، بلکه در میانه قرار دارند و حامی تغییرات تدریجی و در عین حال اساسی در داخل چارچوب‌های سیاسی موجود هستند.

دومین نکته مهم، شکاف میان «مقبولیت نظام» و «اعتماد به نهادهای» است. در حالی که ۵۸٫۹ درصد کلیت نظام را قابل قبول می‌دانند، اعتماد زیاد به نهادهای اصلی حاکمیت بین ۲۳ تا ۳۱ درصد در نوسان است. این تفاوت نشان می‌دهد بخش مهمی از جامعه

میان اصل نظام سیاسی و عملکرد نهادها تمایز قائل می‌شود. به بیان دیگر، مسأله اصلی بحران کارآمدی، اعتماد و نمایندگی سیاسی است.

نکته سوم، رشد همزمان محبوبیت رئیس‌جمهور، اعتماد به نهادها و مقبولیت نظام در فاصله آذر ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ است. این اتفاق در شرایطی رخ داده که کشور همزمان تجربه جنگ، فشار حداکثری و پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصادی و تنش‌های اجتماعی را پشت سر گذاشته است. این روند نشان می‌دهد در شرایط تهدید خارجی، بخشی از جامعه همچنان به سمت انسجام ملی و تقویت حمایت از نهادهای رسمی حرکت می‌کند.

در عین حال، سطح اعتماد همچنان پایین است. اعتماد ۲۳ تا ۳۱ درصدی به نهادهای اصلی حکمرانی برای اجرای سیاست‌های دشوار اقتصادی و اجتماعی کافی نیست. به همین دلیل مهم‌ترین چالش پیش روی حاکمیت بازسازی اعتماد عمومی و افزایش ظرفیت اقناع اجتماعی برای اجرای سیاست‌هاست.

نکته حائز اهمیت این است که در بازه یک ماهه فروردین تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ از تعداد کسانی که اصلاحات کم در داخل نظام جمهوری کاسته و دو نیم درصد به براندازی و ۴۰۲ درصد به اصلاحات اساسی خواهان در کشور اضافه شده است. این یعنی اینکه ارکان حاکمیتی باید سیاست‌هایی در دستور کار قرار دهند که از تعداد براندازی خواهان کاسته و به اصلاح خواهان در چارچوب نظام افزوده شود. این رمز کلیدی در برای ثبات در آینده کشور در کوتاه مدت محسوب می‌شود.

با نگاهی به درصد اعتماد مردم به یکدیگر، میزان اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی و میزان مقبولیت نظام جمهوری اسلامی در نگاه مردم می‌توان گفت که جامعه ایران؛ جامعه‌ای است که هنوز میان نارضایتی از عملکرد و پذیرش چارچوب سیاسی تمایز قائل می‌شود. مردم به بسیاری از نهادها نقد دارند، به یکدیگر هم اعتماد چندانی ندارند، اما هنوز بخش قابل توجهی از آنها اصلاح کشور را بر فروپاشی کشور ترجیح می‌دهند.

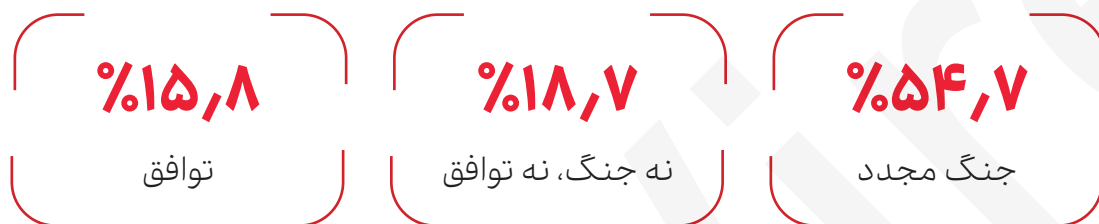
پیشنهاد سیاستی:

ارکان مختلف کشور از سیاست‌هایی که به تقابل با جامعه منجر می‌شوند پرهیز نمایند. لازم است از این ایده که مسائل در داخل نظام جمهوری اسلامی قابل حل نیست به طور جدی پرهیز کنند. بخشی از این نوع بیان را می‌توان در برخی اظهارات کارشناسان امنیتی و سیاسی مختلف در رسانه‌ها مشاهده کرد.

بخش ششم «جنگ، سیاست خارجی و دفاع ملی»

مروری بر داده‌های کلیدی

ارزیابی آینده روابط ایران و آمریکا



این داده نشان می‌دهد اکثریت جامعه همچنان آینده روابط ایران و آمریکا را بی‌ثبات و نامطمئن ارزیابی می‌کنند.

نگرانی از وقوع مجدد جنگ



تقریباً نیمی از جامعه نسبت به وقوع مجدد جنگ نگرانی جدی دارد.

اعتماد به تیم مذاکره‌کننده

بیش از نیمی از پاسخگویان به تیم مذاکره‌کننده اعتماد ندارند، در حالی که کمتر از یک‌سوم یعنی ۲۸,۵ جامعه اعتماد بالایی به تیم جدید مذاکره‌کننده ایران دارد.

بهترین اقدام در شرایط فعلی

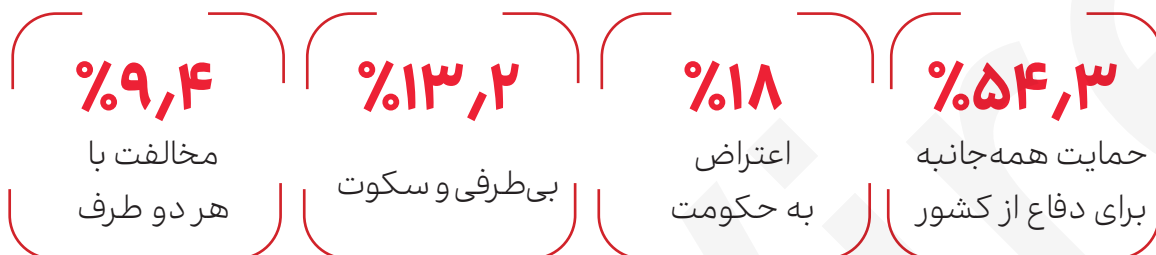
در پاسخ به این پرسش که بهترین اقدام ایران در شرایط فعلی چیست:



حفظ آتش بس و ادامه مذاکرات بیشترین حمایت را در میان گزینه‌های موجود دارد.

واکنش به حمله مجدد خارجی

در صورت حمله مجدد به کشور:



بیش از نیمی از جامعه اعلام کرده‌اند که در صورت حمله مجدد از کشور دفاع خواهند کرد.

پذیرش تعطیلی غنی‌سازی



حدود دو سوم جامعه با تعطیلی کامل برنامه غنی‌سازی هسته‌ای مخالف هستند.

دفاع از وطن و مشارکت ملی

پویش «جان‌فدا»



● احتمال مشارکت در این پویش:

● با افزایش سن بیشتر می‌شود.

● با افزایش تحصیلات بیشتر می‌شود.

● در شهرهای غیرمرکز استان و مناطق پیرامونی بیشتر از تهران است.

مشارکت در تجمعات شبانه دوران جنگ

در تجمعات شرکت نکردند **۴۶,۹٪** در تجمعات بیش از ۳۰ بار شرکت کرده‌اند **۱۴,۵٪**

در تهران:

● ۶۱ درصد در این تجمعات شرکت نکرده‌اند.

● ۱۰,۷ درصد مشارکت بسیار بالا داشته‌اند.

آمادگی برای دفاع از کشور

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲:

● ۴۳ درصد پاسخگویان اعلام کرده بودند که در صورت وقوع جنگ حاضرند به صورت داوطلبانه از کشور دفاع کنند.

● در آن پیمایش نیز تمایل به دفاع از کشور:

● در سنین بالاتر بیشتر بود.

● در مناطق پیرامونی بیشتر از تهران بود.

● با افزایش تحصیلات کاهش پیدا می‌کرد.

تحلیل سیاستی

مهم‌ترین یافته این بخش آن است که جامعه ایران را نمی‌توان در قالب دوگانه «طرفداران ادامه جنگ» یا «تسلیم‌طلب» توصیف کرد. داده‌ها نشان می‌دهد اکثریت جامعه از یک سو خواهان حفظ آتش‌بس و ادامه مذاکرات هستند و از سوی دیگر با تعطیلی کامل غنی‌سازی یا پذیرش همه شروط آمریکا مخالفت می‌کنند. به عبارت دیگر، ترجیح غالب جامعه را می‌توان «دیپلماسی همراه با حفظ بازدارندگی» توصیف کرد.

نکته دوم آن است که سطح پایین اعتماد به تیم مذاکره‌کننده و نهادهای رسمی ناشی از جمع مخالفان هرگونه توافق ایران در داخل و نیز مخالفت براندازان با حل مساله است. در صورت وقوع حمله خارجی بیش از نیمی از جامعه اعلام می‌کند که از کشور دفاع خواهد کرد. این یافته با نتایج بخش هویت نیز همخوانی دارد. تعلق به ایران و آمادگی برای دفاع از کشور در بسیاری از موارد مستقل از میزان رضایت از دولت یا نهادهای سیاسی عمل می‌کند. به بیان دیگر، میان «حمایت از کشور» و «حمایت از حکومت» در ذهن بخشی از جامعه تمایز وجود دارد.

نکته سوم، تفاوت معنادار تهران و پیرامون است. در اغلب شاخص‌های مرتبط با مشارکت ملی، حضور در تجمعات جنگی و آمادگی برای دفاع، مناطق پیرامونی و شهرهای غیرمرکزی فعال‌تر از تهران هستند. این الگو در پیمایش‌های پیشین نیز مشاهده شده و نشان می‌دهد سرمایه دفاعی و بسیج اجتماعی کشور بیش از آنکه در کلان‌شهرها متمرکز باشد، در شهرهای کوچک‌تر و مناطق پیرامونی قرار دارد.

در نهایت، داده‌ها نشان می‌دهد جامعه ایران از تشدید تنش هراس دارد، اما همزمان حاضر نیست برای جلوگیری از جنگ از همه مؤلفه‌های قدرت ملی چشم‌پوشی کند. بنابراین افکار عمومی از راهبردی حمایت می‌کند که همزمان سه عنصر «بازدارندگی»، «مذاکره» و «حفظ منافع ملی» را در کنار یکدیگر دنبال کند.

بخش هفتم

«حمایت از گروه‌های مقاومت و رابطه با کشورها»

حمایت از گروه‌های مقاومت

۵۸,۱٪ مخالف حمایت از گروه‌های مقاومت **۳۱٪** موافق حمایت از گروه‌های

رابطه با کشورهای اروپایی

۴۶,۷٪ رابطه بیشتر شود

۲۶,۵٪ رابطه کمتر شود

۱۶,۵٪ میزان فعلی مناسب است

رابطه با چین:

۴۱,۴٪ رابطه بیشتر شود

۲۵,۴٪ رابطه کمتر شود

۲۴٪ میزان فعلی مناسب است

رابطه با آمریکا

۳۴,۱٪ رابطه بیشتر شود

۴۵٪ رابطه کمتر شود

۱۳٪ میزان فعلی مناسب است

رابطه با کشورهای عربی

۳۷,۳٪ رابطه بیشتر شود

۴۹,۱٪ رابطه کمتر شود

۱۵,۵٪ میزان فعلی مناسب است

رابطه با روسیه:

۲۵,۸٪ رابطه بیشتر شود

۳۲,۴٪ رابطه کمتر شود

۳۰٪ میزان فعلی مناسب است



تحلیل سیاستی

در این پیمایش تغییرات چشمگیری در افکار عمومی درباره سیاست خارجی کشور دیده می شود. بزرگترین چرخش افکار عمومی در اردیبهشت ۱۴۰۵ مربوط به کشورهای عربی منطقه است؛ تمایل به کاهش رابطه از ۲۸.۷٪ به ۴۹.۱ رسیده است. درباره آمریکا نیز برای اولین بار در این سری زمانی یعنی از خرداد ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵، موافقان کاهش رابطه (۴۵ درصد) از موافقان افزایش رابطه (۳۴.۱ درصد) جلو افتاده اند. اروپا همچنان گزینه مناسب تری برای توسعه روابط برآورد شده است، هرچند حمایت از افزایش رابطه از ۶۱.۲ درصد به ۴۶.۷ درصد کاهش یافته است. چین تنها بازیگری است که روند تمایل به افزایش رابطه با آن به صورت پیوسته رشد کرده و از ۳۱.۳ درصد به ۴۱.۴ درصد رسیده است. درباره روسیه همچنان گروه خواهان کاهش رابطه از گروه خواهان افزایش رابطه بزرگتر است، اما فاصله دو گروه در حال کاهش است.

بر این اساس می توان جمع بندی کرد که افزایش تمایل به رابطه با شرق و کاهش تمایل به رابطه با کشورهای غربی و عربی در پیمایش دیده می شود. تعداد افرادی که مایل بودند رابطه با کشورهای غربی، عربی و آمریکا زیاد شود حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است. در مقابل آن، افرادی که مایلند رابطه با این کشورها کاهش پیدا کند هم افزایش نسبتاً ۵۰ درصدی نسبت به خرداد ۱۴۰۴ دارد. اروپا با ۴۶.۷ و چین با ۴۱.۴ و آمریکا با ۳۴.۱ و کشورهای عربی با ۲۷.۳ و روسیه با ۲۵.۸ به ترتیب دارای بیشترین تمایل برای افزایش رابطه به خود اختصاص داده اند. در بین تمام کشورها آمریکا بیشترین تمایل برای کاهش رابطه و چین بیشترین تمایل برای افزایش رابطه وجود دارد.

با توجه به پاسخ های این پیمایش به نظر می رسد که جامعه به چین نگاه جدیدی پیدا کرده است. افزایش تمایل ۱۰ درصدی به افزایش رابطه به چین می تواند بیانگر این باشد که جامعه حامی افزایش روابط اقتصادی با چین است که در اقتصاد جهانی دست بالاتری را پیدا کرده است. زمینه سازی برای افزایش روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می تواند پاسخی به این تمایل باشد. در عین حال همچنان تمایل به افزایش رابطه با اروپا بیش از دیگر کشورهاست. بر این اساس به نظر می رسد که بخش قابل توجهی از جامعه به دنبال شرکای خارجی ای است که به جای تنش و جنگ، ثبات و مراوده ای مثبت اقتصادی به همراه خود بیاورند. جامعه هنوز به اروپا به عنوان شریک تجاری فکر می کند اما به آمریکا و کشورهای عربی چنین نگاهی ندارد. بنابراین رسیدن به توافق های ماندگار منطقه ای که

بتواند سایه جنگ و تنش را از روابط اقتصادی دور کند می‌تواند اولویتی باشد که نظر جامعه در مورد روابط منطقه‌ای را تغییر دهد.

جمع بندی

مهم‌ترین یافته این پیمایش نشان می‌دهد که تصویر جامعه ایران بسیار پیچیده‌تر از روایت‌های دوگانه و ساده‌سازی شده رایج است. برخلاف تصور برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای، جامعه ایران نه حامی مطلق وضع موجود است و نه در آستانه گسست کامل از ساختار سیاسی. در واقع، یک «میان‌ه گسترده اجتماعی» شکل گرفته است که با وجود نارضایتی از شرایط کنونی، همچنان به دنبال اصلاح، ثبات، امنیت و بهبود تدریجی است. داده‌های پیمایش این موضوع را به روشنی تایید می‌کند: ۶۵.۶ درصد از جامعه خواهان اصلاح کشور در چارچوب جمهوری اسلامی هستند.

این آمار نشان می‌دهد که اصلی‌ترین شکاف سیاسی کشور، تقابل میان «حفظ وضع موجود» و «براندازی» نیست؛ بلکه شکاف واقعی میان «امید به تغییرات مثبت» و «ناامیدی از اثربخشی سیاست‌های اصلاح‌گرایانه» است. با این حال، این اکثریت قرار گرفته در میان میدان، در ساختار رسانه‌ای، حزبی و نهادی کشور نمایندگی کافی ندارد. همین فقدان نمایندگی باعث شده تا تصویر بیرونی ایران بیش از اندازه دوقطبی به نظر برسد؛ چنان‌که صداوسیما از یک سو و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور از سوی دیگر، عمدتاً دو سر افراطی این طیف را بازنمایی می‌کنند و بخش بزرگی از جامعه که در هیچ‌یک از این دو اردوگاه جای نمی‌گیرد، نادیده گرفته می‌شود.

یکی از پیامدهای این وضعیت، شکاف عمیق میان جامعه و احزاب است. جامعه در پی اصلاحات است، اما جریان‌ات مدعی تغییر را قابل اعتماد نمی‌داند.

تجربه‌های تلخ و متوالی نظیر جنگ، فشارهای اقتصادی، تحریم‌های طولانی‌مدت، فیلترینگ، فرسایش مرجعیت رسانه‌های سنتی، پیامدهای پاندمی کرونا و تنش‌های منطقه‌ای، جامعه را نسبت به هزینه‌های گزاف دوقطبی‌سازی آگاه‌تر کرده است. امروز، میدان سیاست در ایران نیازمند عبور از دوگانه‌های فرساینده در جناح‌بندی‌های سیاسی است. هیچ‌یک از این دو قطب به تنهایی نماینده کل جامعه و یا حتی اکثریت جامعه نیستند. جامعه خود را نه در قاب تلویزیون می‌بیند، نه در تبلیغات رسمی و نه در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور.

آنچه در این پیمایش دیده می‌شود، شکل‌گیری یک حوزه وسیع با پتانسیل ایجاد

تغییرات در طیفی از اصلاحات اساسی تا اصلاحات جزئی است و همچنین خواهان حفظ امنیت ملی داخلی و خارجی است.

در اینجا باید به سوالات ابتدای این گزارش پاسخ داد:

⬅ چرا مردم به ایران افتخار می‌کنند اما بخشی می‌خواهند مهاجرت کنند؟

اینکه همزمان درصد بالایی از مردم به ایران افتخار می‌کنند و در عین حال اگر شرایط فراهم باشد به مهاجرت فکر می‌کنند اتفاقاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه امروز ایران است. ایرانی‌ها از «ایران» عبور نکرده‌اند؛ از بخشی از تجربه زیسته خود ناراضی‌اند. آن‌ها به تاریخ، فرهنگ، زبان، هویت ملی و حتی ایده ایران تعلق خاطر دارند، اما در عین حال نسبت به آینده، امکان پیشرفت، ثبات اقتصادی و کارآمدی تردید دارند. به همین دلیل است که در همان جامعه‌ای که حس تعلق ملی همچنان بالاست، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در سطح نگران‌کننده‌ای قرار گرفته است. وقتی در کنار این گزاره به میل تغییرخواهی مردم در چارچوب نظام سیاسی و حتی مقبولیت جمهوری اسلامی ایران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که بخش عمده‌ای از مردم در انتظار اصلاحات اساسی در چارچوب جمهوری اسلامی هستند. مسئله اصلی نه بحران هویت، بلکه بحران افق است.

⬅ چرا اکثر مردم از وضع موجود ناراضی‌اند اما براندازی را هم نمی‌خواهند؟

اینکه بخش بزرگی از مردم از وضع موجود ناراضی‌اند اما همزمان از براندازی نیز استقبال نمی‌کنند، بیش از آنکه نشانه تناقض باشد، نشانه تجربه تاریخی جامعه ایران است. بسیاری از مردم میان «نارضایتی از عملکرد» و «فروپاشی نظم سیاسی» تفاوت قائل‌اند. آن‌ها تورم، فساد، ناکارآمدی، محدودیت‌ها و مشکلات معیشتی را می‌بینند و خواهان تغییرند، اما در عین حال هزینه‌های بی‌ثباتی، جنگ داخلی، فروپاشی دولت، تجربه کشورهای منطقه و نااطمینانی نسبت به فردای پس از براندازی را نیز درک می‌کنند. مردم تغییر می‌خواهند، اما تغییری که زندگی‌شان را بهتر کند، نه تغییری که اصل ثبات، امنیت و ایران را به مخاطره بیندازد.

⬅ چرا اکثر مردم هم مذاکره می‌خواهند، هم تسلیم را هم نمی‌پذیرند؟

اینکه بخش بزرگی از مردم جنگ را نمی‌خواهند اما همزمان تسلیم را هم نمی‌پذیرند، بازتاب همان پیچیدگی جامعه ایران است که در بسیاری از شاخص‌های این پیمایش دیده می‌شود. مردم بعد از وقوع دو جنگ تحمیلی اخیر هزینه جنگ را شناخته‌اند؛ ویرانی، ناامنی، رکود اقتصادی، مهاجرت اجباری و ترومای جمعی چیزی نیست که برای آن اشتیاقی وجود داشته باشد. اما در سوی دیگر از دید مردم مخالفت با جنگ الزاماً به معنای پذیرش تحقیر یا تسلیم نیست. بخش بزرگی از جامعه در جست‌وجوی راه‌سومی میان این دوگانه است؛ نه جنگی که کشور را ویران کند و نه تسلیمی که احساس کرامت، استقلال و هویت ملی را مخدوش سازد. اگر بخواهیم این وضعیت را در یک جمله خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت مردم ایران صلح می‌خواهند، اما صلحی که با احساس شکست و از دست رفتن شان ملی همراه نباشد. تجربه لیبی، هایتی، عراق و کشورهای خارج شده از جنگ پیش روی مردم ایران است و به نظر می‌رسد به وضوح این تجربه در نگاه آنها به مقوله جنگ و قدرت بازدارندگی و نظامی ایران تاثیر گذاشته است.

⬅ چرا با وجود اعتراضات دی‌ماه و جنگ چهل‌روزه میزان محبوبیت رئیس‌جمهور و اعتماد به قوای سه‌گانه و نظام جمهوری اسلامی روندی صعودی داشته است؟

اینکه پس از اعتراضات دی‌ماه و سپس جنگ چهل‌روزه، میزان محبوبیت رئیس‌جمهور، اعتماد به برخی نهادهای حاکمیتی و حتی مقبولیت کلی نظام روندی صعودی پیدا کرده، لزوماً به معنای حل شدن مسائل پیشین یا رضایت عمومی از وضع موجود نیست. جامعه در شرایط بحران‌های بزرگ معمولاً اولویت‌های خود را بازتنظیم می‌کند. در زمان صلح، مردم عملکرد اقتصادی، معیشت، آزادی‌های اجتماعی و کیفیت حکمرانی را می‌سنجند؛ اما در شرایط تهدید خارجی، جنگ و نااطمینانی، متغیرهایی مانند امنیت، حفظ تمامیت ارضی و انسجام ملی وزن بیشتری پیدا می‌کنند. در چنین وضعیتی بخشی از جامعه که پیش‌تر منتقد یا ناراضی بوده، ممکن است برای جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر، موقتاً به نهادهای رسمی نزدیک‌تر شود. این پدیده در علوم سیاسی با مفهومی شبیه «همگرایی پیرامون پرچم» شناخته می‌شود. با این حال، رشد اعتماد در این شرایط را نباید با رضایت از همه سیاست‌ها یا رفع شکاف‌های پیشین اشتباه گرفت.